

تظاهرات ضد

امپریالیزم امریکا در کابل و قطعنامه پرچمداران دموکراتیک خلق افغانستان

روز یکشنبه (۱۴ جدي ۱۳۴۸) قبل از ظهر میتینگ مقدماتی به اشتراك بیش از دو هزار محصل در صحن پوهنتون کابل بر ضد مسافرت سیرو اکتیو معاون رئیس جمهوری ایالات متحده امریکا به افغانستان دایر گردید که در آن یکتن از پرچمداران دلیر دموکراتیک خلق افغانستان بیاتیه مستدل و پرشوری علیه امپریالیزم ایراد و در باره مسافرت اکتیو اعتراض نمود. وی وظایف مبارزه در مرحله کنونی علیه امپریالیزم و عمل مشترک تمام نیروهای مترقی و ضد امپریالیستی را خاطر نشان ساخت. بروز سه شنبه ۱۶ جدي (۶ جنوری ۱۹۷۰) قبل از ظهر میتینگ‌های در صحن پوهنتون کابل به وجود آمد که اجتماع بزرگی در تحت پرچم جریان پیش‌آهنگ دموکراتیک خلق افغانستان با شور و نظم تمام از پوهنتون خارج گردید.

در جریان این نمایش هزاران نفر از کارگران، محصلان، جوانان، روشنفکران و زحمتکشان شهر کابل به صفوف تظاهر کنندگان پیوستند. از آغاز تظاهر تا ساعت ۳ بعد از ظهر میتینگ‌های متعددی در نقاط مختلف شهر ایجاد و بیاتیه‌های پرشور ضد امپریالیزم امریکا ایراد گردید. تظاهر (ص ۴)

بازهم عده‌ای از رفقای قهرمان ما زندانی شدند

عده‌ای از پرچمداران قهرمان (دموکراتیک خلق افغانستان) علی رغم آزادی‌های مصرح در قانون اساسی، ضد موازین دموکراسی و مخالف تعامل مبارزات ضد امپریالیستی در عرصه بین‌المللی به خاطر ایفای وظایف مبارزه علیه امپریالیزم و جنگ، به خاطر دفاع از صلح، آزادی و استقلال، به نسبت دفاع از خلق‌های قهرمان ویتنام و اعراب، به نسبت مخالفت قهرمانانه علیه سیاست تجاوزکارانه امپریالیزم امریکا در روز آمدن سیرو اکتیو معاون رئیس جمهوری ایالات متحده امریکا در کابل، زندانی گردیدند. این چندمین بار است که عده‌ای قابل ملاحظه از رفقای مبارز ما در جریان نهضت آزادی‌بخش خلق کشور ما بنا بر نبرد دلیرانه علیه استبداد، ارتجاع و امپریالیزم، از طرف حکومت مستبدانه بازداشت و زندانی می‌گردند. تفصیل موضوع در باره رفقای زندانی در آینده تقدیم می‌گردد.

سه موضوع دیگر از دفتر یادداشت‌های

سیاسی و اجتماعی

- ۲ -

باز هم در باره جبهه متحد

ما موقتاً فوقتاً مسأله تشکیل جبهه متحد را از لحاظ وظایف نزدیک و دورنمای مبارزه در کشور طرح کرده‌ایم، زیرا مراحل گوناگون مبارزه طرح اتحاد نیروهای معینی را ضرور می‌سازد.

اصولاً لزوم طرح تشکیل جبهه متحد خواه برای مدتی موقت و برای امری مشخص، خواه برای مدتی طولانی و برای آینده باشد از تحلیل علمی وضع طبقاتی جامعه و مسایل حد سیاسی کشور سرچشمه می‌گیرد. عناصر متشکله جبهه متحد در جامعه ما که بالقوه وجود دارند عبارتند از کارگران، دهقانان، پیشه‌وران کسبه، روشنفکران وطن‌پرست، بخش وسیعی از مأموران دولتی، محصلان و افسران متوسط که منحنیت‌المجموع موضع آن‌ها در جامعه مبنای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را برای تشکیل جبهه متحد دموکراتیک به وجود می‌آورد.

در افغانستان تعداد بسیار کثیر بانفوذی از بخش وسطی (خرده بورژوازی شامل پیشه‌وران، اهل کسبه، دکانداران کوچک و غیره موجود است و بدین جهت سرنوشت جنبش‌های بخش ملی تا حدود معینی به موضوع‌گیری این بخش جامعه بستگی دارد. همچنان نقش روشنفکران دموکراتیک ملی در جنبش‌های ملی و اجتماعی کشور مؤثر است.

(ص ۳)

باید جداً توجه داشت که در تمام مراحل تکامل یک سازمان مترقی، توطئه‌گری، دشنام، تهمت و تبلیغات زهر آگین خائنانه‌ترین سلاحيست که دشمن آن را علیه رهبران و کادرهای صدیق وطن‌پرست انقلابی بکار می‌برد. واقعیت اینست که قدرت روز

- ۱ -

پرچمداران دموکراتیک خلق افغانستان باید دسایس و توطئه‌های مکارانه و فتنه‌گرانه سازمان‌های مخفی جاسوسی دستگاه حاکمه و امپریالیزم را خنثی سازند.

معلوم و آشکار است که یکی از اهداف میخانه و زیرکانه شبکه‌های جاسوسی و تخریبی ارتجاع داخلی و سازمان‌های مخفی جاسوسی امپریالیستی (سی. آی. ای و غیره) را در کشورهای آسیا، افریقا و امریکای لاتین منجمله در کشور ما از میان برداشتن سازمان‌های مترقی و بدنام کردن رهبران آن‌ها تشکیل می‌دهد.

از آنجائی که در نهضت‌های بخش کشور ما سازمان سیاسی دموکراتیک خلق افغانستان پیشاهنگ‌ترین، فعال‌ترین و اصولی‌ترین سازمان مترقی است لذا همیشه هدف عمده ضربیه و توطئه‌های سیاه سازمان‌های مخفی جاسوسی داخلی و خار جی قرار گرفته است که منظور تضعیف آن و ایجاد روحیه بی‌اعتمادی در درون از طریق دسایس و تبلیغات زهر آگین و بدنام کردن رهبران و کادرهای و وطن‌پرست اصولی آن می‌باشد. اصولاً پانزهر توطئه‌ها و دسایس مکارانه سازمان‌های جاسوسی ضد جنبش عبارت است از: مبارزه سرسختانه، قهرمانانه، پیگیر و بی‌امان علیه عملیات تخریبی فاسد کننده و بدنام کننده دستگاه ارتجاع داخلی و

باید جداً توجه داشت که در تمام مراحل تکامل یک سازمان مترقی، توطئه‌گری، دشنام، تهمت و تبلیغات زهر آگین خائنانه‌ترین سلاحيست که دشمن آن را علیه رهبران و کادرهای صدیق وطن‌پرست انقلابی بکار می‌برد. واقعیت اینست که قدرت روز

(ص ۳)

خلق و دشمنان خلق کیانند

راه حل صحیح تضادها در کشور و تأمین وحدت در بین ما

تمام ملیت‌ها و اقوام کشور ما در وجود یک افغانستان نوین، مترقی، واحد، آزاد و متحد بشمار می‌رود. امروز در اجتماع ما تضادهای عمده و فرعی آشتی‌ناپذیر و آشتی‌پذیر وجود دارد. ولی بعضی‌ها روی بی‌دانشی و عدم درک علمی جامعه و یا روی عمد و قصد از وجود تضادها در کشور انکار می‌نمایند و بعضی دیگر ناشیانه بدون تحلیل علمی جامعه، مسایل تضادهای گوناگون را در کشور ساده کرده و در یک نسخه واحد بصورت دگم (جزمی) به طبقه بالا و پائین تصنیف می‌کنند (در حالی که اکثریت گویندگان آن‌ها نیز خود از طبقات بالا و مرفه‌الحال و منتفعین محلی‌اند و مضحک‌تر اینکه آن‌هم روی نقشه ارتجاع و امپریالیزم مسأله

باید با تأسف اظهار داشت که کشور ما بنا بر موجودیت مناسبات فنودالی و ماقبل فنودالی و نفوذ استعماری تا کنون متحد و یکپارچه نیست. تضادهای گوناگون مورد نفوذ خلق، در وطن ما افغانستان قویاً وجود دارد که هر گاه بوقت و به‌صورت منطقی حل نگردد، همیشه خطر تجزیه، تفرقه و هرج و مرج آن را تهدید می‌کند. یگانه راه حل صحیح و سریع تضادها در کشور عبارت است از پیروزی جنبش دموکراتیک ملی به حیث حداقل هدف استراتژییک و جنبش سوسیالیستی به حیث حد اکثر هدف استراتژییک (هدف غائی). انجام موفقانه این دو مرحله جنبش ضامن اصلی پیروزی حتمی وحدت کشور و همبستگی توده‌های خلق و

(ص ۳)

خلاصه از تزه‌های کمیته مرکزی

ح. ک اتحاد شوروی به مناسبت صدمین سال تولدی لنین

از چندی به این‌طرف ملل دارای رژیم‌های اجتماعی و سیاسی مختلف و سازمان‌های دموکراتیک و مترقی در سراسر جهان منجمله کشورهای همجوار و هم منطقه ما ایران، پاکستان و هند وسیعاً ترتیبات می‌گیرند که صدمین سالگرد تولدی ولامیرالیچ لنین را تجلیل نمایند. این تجلیل بر اساس سفارش یونسکو نیز صورت می‌گیرد. بدین مناسبت هیات‌های بزرگ و ذیصلاحی از طرف حکومت و سازمان‌های سیاسی و اجتماعی مترقی مؤظف گردیده‌اند تا ترتیبات تجلیل روزهای لنین را تهیه نمایند.

در ایران هیاتی به ریاست وزیر علوم - تکنالوژی و تعلیمات تشکیل گردیده است و بدین مناسبت در جمله سایر کارها یک کتاب تحت عنوان خاطرات لنین به زبان فارسی تهیه دیده شده است. همچنان کتاب‌های متعددی که وقف صدمین سال تولد لنین و اتحاد شوروی گردیده برای نشر آماده شده است. اخیراً در پاکستان بیشتر از ده اثر در باره لنین نشر گردیده که من جمله یک بیوگرافی لنین به پنج زبان پشتو، اردو، بنگالی، سندی و انگلیسی در کراچی بچاپ رسیده است.

از آنجائی که کشور ما سوابق درخشان دوستی و همکاری همه جانبه بی‌شائبه با شوروی دارد که لنین بنیادگذار آن می‌باشد و اثرات نیک و ثمربخش آن در هر گوشه و کنار مملکت هویدا است، انتظار می‌رود که در افغانستان نیز برای روزهای لنین ترتیباتی اتخاذ گردد و صدمین سالگرد این متفکر بزرگ و دوست ملل مشرق در کشور ما نیز تجلیل شود. اینک ما به‌تقریب این روز خلاصه از تزه‌های کمیته مرکزی ح. ک اتحاد شوروی را به مناسبت صدمین سالگرد (در صفحه ۳)

وضع زراعت - آبیاری و مالرداری در کشور بهمان نحوه هزاران سال قبل باقی مانده است

مالرداری در کشور به‌طور کلی بهمان نحوه هزاران سال قبل به‌اصطلاح عنعنوی و باستانی باقی‌مانده است. چنانکه در بیاتیه پارلمانی جریان ما این موضوع بیان گردیده است: «شیوه تولید فنودالی و زراعت کشور در همان شرایط عقب مانده هزار سال قبل است. بدتر اینکه حتی آرد و روغن را هم باید از خارج وارد کرد.»

واقعاً در افغانستان که به‌اصطلاح کشوری زراعتی شمرده می‌شود، از ۸۰ تا ۸۵ فیصد نفوس آن بکار

«فعالیت‌های وسیع (!) وزارت زراعت و آبیاری طی سال‌های ۱۳۴۷ و ۱۳۴۸ در قطار ۱۲ وزارتخانه دیگر بیشتر از همه در نشریه «اجمال اجراءات حکومت در دو سال اخیر»، جلب توجه می‌نماید. نه تنها درین نشریه (که همزمان با جلسات رأی اعتماد بر حکومت جدید در ولسی‌جرگه از طرف حکومت نشر و پخش گردیده است صفحات بیشتر نسبت به کارهای هر واحد دیگر به این وزارت تخصیص داده شده، بلکه مدت‌هاست که تبلیغات فریبنده در زمینه رفع کمبود مواد غذایی و بخصوص گندم که ماده اولیه غذایی مردم ما را تشکیل می‌دهد و بهبود وضع زراعت این «کشور زراعتی»، دامنه بسیار وسیعی پیدا کرده است.

د پښتونستان ستر مشر پاچا خان اتیا

کلن شو

د دهلې راديو او د هند مطبوعاتو خبر ورکړ چه د عبدالغفار خان (پاچاخان) د زيربښې اتياومه کلنيزه په ټول هندوستان کې ونمانځل شوه. د «آل انديا پاچاخان سالگره ساميتی» مشر جاي پرکاش ناراین د هندوستان له ټولو خلکو څخه وغوښتل چه د عبدالغفار خان د سالگرې د نماځلو او تجليل په غرض ديوي هفتي د پاره جشنونه جوړ کړي. دغه هفتي «د وروړگلوي د هفتي، په نامه» ياده کړي. او د فرقه وي هم اهنگي او ملي وحدت د پاره په دغې هفتي کې خاص گامونه اوچت کړي. په هغو مراسمو کې چه دهند په حيدر آباد کې د هندو - مسلم متحد جبهې له خوا نيول شوي

(۴ مخ)

تولدی لنین ترجمه و به نثر می‌سپاریم.

ک. م. ح. ک. ا در تزه‌ای خود به مناسبت صدمین سال تولد لنین اعلام می‌نماید:

تشکیل سیستم جهانی سوسیالیستی «تحول جدید تاریخی به نفع سوسیالیزم در سیستم قدرت‌های اقتصادی و سیاسی جهان بود و لنینیزم را به مقیاسی جهانی تحکیم نمود» «خلق شوروی و خلق‌های جامعه سوسیالیستی، در اثر مجاهدات قهرمانانه خود، راه را به‌سوی نظام نوین اجتماعی گشودند و این نظام را به نفع تمام خلق‌های جهان آزمونند.» این سند دارای بیش از ۱۳۰۰۰ کلمه، در روزنامه‌های مسکو منتشر گردید.

تر مزبور تأکید می‌نماید:

«برقراری همکاری بین‌المللی در چارچوب سیستم جهانی سوسیالیستی نشان می‌دهد که چگونه اصولی لنینی مناسبات طراز نوین بین‌المللی بالارزش است. گرد هم جمع شدن کشورهای سوسیالیستی از لحاظ سیاسی و اقتصادی باعث افزایش نیروها و قدرت هریک آن‌ها می‌گردد، به آن‌ها امکان می‌دهد تا از مزایای طریق سوسیالیستی سازمان دادن زندگی اجتماعی استفاده کامل‌تر به عمل آورند.»

در تزا گفته می‌شود: «ح. ک. ا. ش مبارزهٔ کمونیست‌های کشورهای برادر را که علیه هرگونه کوشش برای تخریب مواضع نظام جدید، علیه برخورد ایپورتونیستی به مسایل ساختمان سوسیالیستی و مناسبات در یک سیستم جهانی سوسیالیستی، به خاطر غلبه بر اختلافات میان احزاب بر مبنای اصول مارکسیزم - لنینیزم به عمل می‌آید، به‌خوبی تشخیص می‌دهد. شرط مطمئن برای برقراری مناسبات طراز نوین بین‌المللی عبارت است از سیاست صحیح احزاب کمونیست و کارگری، اجرای پیگیر آموزش لنینی راجع به ساختمان جامعه نوین، رعایت و احترام به اصول انترناسیونالیزم سوسیالیستی»

ک. م. ح. ا. ش در تزه‌ای خود تأکید می‌نماید که: «یک دوران کامل انقلابی در حیات بشریت با نام و فعالیت‌های لنین ارتباط دارد.» «لننین به میرم‌ترین مسائلی که توسط تکامل تاریخی طرح گردیده پاسخ گفت. وی تیوری انقلاب سوسیالیستی و ساختمان جامعه کمونیستی را کاملاً رشد و انکشاف داد و جنبش انقلابی بین‌المللی در روسیه را به استراتژی و تاکتیک‌های علما به اثبات رسیده مجهز ساخت و رهبری مبارزه طبقه کارگر را در راه عملی کردن ایدپال های سوسیالیزم در زندگی، به عهده گرفت.»

در سند گفته می‌شود: «لننین بارزترین خصوصیات یک انقلابی پرولتری را چنین بیان می‌کند - فهم بزرگ، اراده غلبه بر تمام موانع، تنفر مقنس در برابر بردگی و ستم، شور و شوق انقلابی، انترناسیونالیزم پیگیر، ایمان بی‌حد و حصر به قدرت‌های خلاق توده‌ها و نیروی بزرگ سازمان‌دهی.»

«کار و زندگی کنین با مبارزه طبقه کارگر و حزب کمونیست در آمیخته بود»

«با اتکاء به میراث ایدپولوژیکی لننین، احزاب کمونیست کار خلاق وسیعی را تنظیم می‌نمایند، به‌طور آشتی ناپذیر علیه ایدپولوژی بورژوازی معاصر، علیه نظرات راست و «چپ» تنوری انقلابی مبارزه می‌کنند. مارکسیزم لنینیزم یک آموزش بزرگی بین‌المللی است. هر گونه سعی برای تخریب وحدت مارکسیزم - لنینیزم برای پارچه، پارچه کردن آن به‌طور مصنوعی به «نغمه‌ها»ی مختلف ملی و منطوقی مطلقاً منجر به تجدید نظر اصولی آموزش انقلابی طبقه کارگر می‌گردد. این آموزش در ماهیت خود یک کل تجزیه ناپذیر است و به تمام کمونیست‌ها، همه کارگران انقلابی و تمام خلق کارگر متعلق می‌باشد.»

در تزا گفته می‌شود: «لننین تشکیل و تحکیم حزب انقلابی طبقه کارگر را شرط قاطع پیروزی مرام انقلاب سوسیالیستی می‌دانست.» «وی حزب پرولتاری را به‌مثابهٔ اهرم نیرومندی که می‌تواند روسیه را دگرگون نماید، تلقی می‌کرد.»

ک. م. ح. ک. ا. ش. می‌گوید:

«لننن با جمع کردن تجارب عظیم

خلاصه از تزه‌ای کمیته مرکزی ح. ک.

اتحاد شوروی به مناسبت صدمین سال تولدی لنین

جنبش انقلابی، آموزش منطقی در بارهٔ حزب پرولتری طراز نوین را تدوین نمود.»، «لننن و بلشویک‌ها کوشش‌های را که جهت تبدیل کردن حزب به محفل مباحثات، به اجتماعی از فراکسیون‌ها و گروهندی‌ها به عمل می‌آمد جداً رد نمودند. لننن و بلشویک‌ها ها همبستگی و همکاری نزدیک صفوف حزب را به‌مثابه شرط قاطع برای تحکیم و نیرومندی حزب تلقی می‌نمودند و هرگونه فعالیتی را که هدف تخریب وحدت حزب و تضعیف انضباط آهنین آن باشد غیرمجاز می‌دانستند» «حزب بلشویک‌ها به‌مثابه حزب واقعی انترناسیونالیست های پرولتری به وجود آمد، رشد و تکامل نمود. این حزب نظر به ایدپولوژی، ترکیب و ماهیت فعالیت‌های خود عمیقاً یک حزب بین‌المللی است.»

در سند گفته می‌شود: «لننن مبارزه را در دو جبهه - علیه انواع ایپورتونیزم راست و چپ و رویزیونیزم به‌مثابه شرایط عمده برای فعالیت‌های موفقانه حزب مارکسیستی در راه تکامل و پیروزی‌های جنبش طبقه کارگر تلقی می‌نمود.»

در سند گفته می‌شود که «لننن تیوری علمی امپریالیزم را ایجاد کرد، خصلت، تضادها و وابستگی‌های آن را تحلیل و تجزیه نمود. این خدمت بزرگ تاریخی اوست. لننن به اثبات رسانید که مرحله انحصاری سرمایه داری آخرین مرحله آن و آستانهٔ انقلابات سوسیالیستی است.

تحلیل همه جانبه مرحله نوین تاریخ جهانی به لننن کمک کرد تا فرصت‌های بزرگ جنبش انقلابی را در دوران امپریالیزم، درک نماید.» «لننن با در نظر داشتن شرایط جدید تاریخی مسأله ملیت‌ها را به‌مدت و به‌طور کامل تحلیل نمود و مفکوره پیوند دادن مبارزه طبقاتی پرولتاریا را با مبارزه در راه محو ستم ملی، مفکوره پیوند دادن مبارزه به خاطر سوسیالیزم را با مبارزه آزادی بخش ضد امپریالیستی خلق‌های تحت اسارت بسط و توسعه داد و آن را به اثبات رسانید.»

کمیته مرکزی ح. ک. ا. ش. می‌گوید: «نقش تغییر دهنده انقلابی تنوری مارکسیستی - لنینیستی، وحدت آن با عمل انقلابی در فعالیت‌های بلشویک به رهبری لننن به‌طور درخشان در پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر آشکار گردید.» «انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر مثال حل پرابلم های عمیق اجتماعی برانداختن قدرت استثمارگران و

برچم

خلاصه از تزه‌ای کمیته مرکزی ح. ک.

اتحاد شوروی به مناسبت صدمین سال تولدی لنین

ک. م. ح. ک. ا. ش در تزه‌های خود خاطر نشان می‌سازد: ح. ک. ا. ش. با عزم راسخ کیش شخصیت را که منجر به سوء استفاده از قدرت، نقش دموکراسی سوسیالیستی و قانون انقلابی گردید، با قاطعیت محکوم نمود.

حزب کمونیست همچنان سوپژکتویزم را که از قوانین تکامل اجتماعی و افکار و آراء جمعی انکار می‌کند و فیصله‌های ولنتاریستی را جانشین رهبری علمی می‌نماید، رد می‌کند.

تضمین در برابر این پدیده‌های منفی همانا رعایت جدی قواعد لنینی حیات حزبی و دولتی، رشد انتقاد و انتقاد از خود، اجرای پیگیر اصل رهبری جمعی و تماس وسیع با توده‌ها شما می‌باشد. حزب هرگونه تلاش‌ها را که هدف آن متوجه ساختن انتقاد از کیش شخصیت و

سوپژکتویزم علیه منافع خلق و سوسیالیزم به‌منظور لکه دار ساختن تاریخ ساختمان سوسیالیستی، بی‌اعتبار کردن دست آوردهای انقلابی، تجدید نظر در اصول مارکسیزم - لننیزم به عمل می‌آید، رد می‌نماید.

تزا خاطر نشان می‌سازد که: «نمونه اتحاد شوروی برای نخستین بار مؤثریت اصول لنینی سازمان اقتصادی سوسیالیستی را به‌طور بارز نشان داد، چنانکه در دوران قبل از جنگ اتحاد شوروی از لحاظ حجم تولیدی صنعتی در جهان از مقام پنجم به مقام دوم ارتقا نمود، افزایش متوسط سالانهٔ تولید صنعتی در مدت سال‌های کار صلح آمیز به 14 فیصد و در طول تمام دوران شوروی به ۹/۹ فیصد بالغ گردید که این رقم در مقابل ۲ تا 4 فیصد افزایش محصولات صنعتی که طی همین مدت توسط ایالات متحده، انگلستان، فرانسه و آلمان غرب وانمود گردیده، می‌باشد. پیشگونی لنین مبنی بر ایندهٔ امحای سرمایه داری تکامل نیروهای تولیدی جامعه را به‌طور شگفت انگیزی تسریع خواهید کرد، کاملاً به حقیقت پیوسته است.»

«منافع طبقه کارگر کمونیست‌ها را موظف می‌نماید که هم علیه کم بها دادن به خصوصیات ملی و هم علیه مبالغه در آن جداً مبارزه کنند ح. ک. ا. ش. در مبارزه علیه انحراف با تفرقه ملی و شوونیزم عظمت طلبانه هواره از این حقیقت پیروی می‌نماید که نه ناسیونالیزم به هر شکلی که باشد و نه نپهلیزم ملی با سوسیالیزم سازگار است.»

«از ص اول)

وضع زراعت- آبیاری و مالرداری …

برابر میلیون‌ها افغانی مصرف بنام توزیع کودکیمیای، تخم اصلاح شده و خدمات انجام شده تا اکنون حتی گذارش واقعی در بارهٔ استعمال کودکیمیای، توزیع گندم بذری و مقدار گندم تولید شده جز ارقام خیالی وسیع، بالا بردن قیمت‌ها و غیره فقط ۷۹ هزار تن به‌قرار احصائیه‌های رسمی می‌باشد که با آن‌هم این مقدار بیشتر از تناسب مقدار روغن تولیدی پنبه دانه و مقدار تولید پنبه محلوج (۱۳۹۰۰ تن پنبه محلوج در سال ۱۳۴۷) نشان داده شده است.

مقدار تولید گندم در سال ۴۷ به‌اندازه ۲۳۴۵ هزار تن دار احصائیه‌های رسمی ارائه گردیده است یعنی ۱۱۳ هزار تن بیشتر از سال ۱۳۴۶ که به هیچ وجه نمی‌توان این احصائیه‌ها را صحیح و دقیقی شمرد. از سه سال بدین طرف تبلیغات بسیار پردامنه‌ای چه توسط جراید، رادیوی دولتی و چه در نطق‌ها و سخنرانی‌های اشخاص مسؤول حکومتی در باره «پروژه انکشاف تولید گندم» به عمل می‌آید که این تصور را به وجود می‌آورد گویا لاقل نیازمندی مردم کشور از ناحیهٔ گندم رفع خواهد شد، اما در پهلوی این‌چنین تبلیغات سرسام آور قرارادهای توریذ گندم از خارج عقد می‌گردد. واقعیت امر اینست که در

مشترك با صلح طبقاتی ندارد و این بدون کمترین شك حق مقدس خلق‌های تحت ستم است که به خاطر نجات خود تمام وسایل را به شمول مبارزه مسلحانه بکار برند.»

در تزا ها گفته می‌شود که مهجرتین منبع نیروی پیروزمذ لنینیزم در آنست که در ماهیت خود با انترناسیونالیزم پرولتری عین می‌باشد. لننن ترکیب صحیح ملی و بین‌المللی را در فعالیت‌های احزاب پرولتری و تمام دسته جات جنبش انقلابی مسأله اساسی سیاست انترناسیونالیستی می‌پنداشت.

در اوضاع و احوال کنونی انترناسیونالیزم پرولتری اهمیت خاصی کسب می‌کند و به‌شرط اساسی ترقی اجتماعی، گردآوری همه نیروهای انقلابی به خاطر تعرض بیشتر بر امپریالیزم مبدل می‌گردد.

ک. م. ح. ا. ش. تأکید می‌نماید که همبستگی بین‌المللی سنگ تهداب جنبش کمونیستی و کارگری بوده و می‌باشد.

همچنان تزه‌های مزبور بهترین اصول فعالیت‌های احزاب طراز نوین مارکسیستی را ارائه نمود.

همچنان در تزا ها گفته می‌شود: «در جهانی که درگیر مبارزه طبقات است هیچ‌گونه ایدپولوژی بی طبقه و ماورای طبقه وجود داشته نمی‌تواند.»

«در مبارزهٔ ایدپولوژیکی بی‌طرفی و مصالحه گنجایش ندارد. مارکسیستی - لنینیست‌ها تزه‌ای اپورتونیستی مبنی بر بهزیستی مسالمت آمیز در سایه ایدپولوژیک را رد می‌کنند.» در تزا ها تأکید می‌شود: «بهترین راه غلبه بر اختلافات در جنبش بین‌المللی کمونیستی عبارت از مبارزه عملی به خاطر اهداف مشترك است.»

«وحدت عبارت از یک اعلامیه یا یک اصطلاح نیست بلکه در عمل مشترك و مبارزه به دست می‌آید.»

در تزا ها گفته می‌شود که ساختمان کمونیزم دورنمای عمومی ماست. لننن کمونیزم را نتیجهٔ طبیعی تکامل سوسیالیزم، بسط و تحقق امکانات و مزایای ذاتی آن تلقی می‌کرد. تدارکات طولانی و جدی برای ایجاد شرایط لازم مادی و معنوی جهت گذار به کمونیزم ضروریست.

«نظرات کمونیزم علمی هیچ‌گونه وجه مشترك با فلسفه ریاکارانه فقر به‌مثابه «خبیر» یا تقدیس عامیانه بورژوازی از اشیای مادی ندارد. در تزا ها تأکید می‌شود. ح. ک. ا. ش: با پیشرفت در شاهراه لنینیستی ایجاد پایه‌های مادی - تخنیکي را برای ساختمان کمونیزم وظیفه عمده می‌دانند.»

در تزا ها اعلام می‌گردد که اقتصاد ملی شوروی اکنون به مرحلهٔ وارد گردیده است که در آن تشنید تولید به تمایل عمده مبدل می‌گردد. تشنید تولید مستلزم تغییرات عمیق کیفی در تمام اقتصاد ملی و در هر بخش آن می‌باشد. ساختمان کمونیزم همچنان مستلزم استفاده وسیع از دست آوردهای انقلاب علمی - تخنیکي معاصر است که تغییرات کیفی در تکنالوژی تولید، انرژی‌ها، ابزار و موضوع کار، سازمان اداره و خصلت فعالیت کار ایجاد می‌کند.

در تزا گفته می‌شود: «ساختمان کمونیستی ایجاب می‌کند که تمام سیستم روابط اقتصادی جامه سوسیالیستی تکمیل گردد.» «لننن اظهار داشته که موفقیت‌های اقتصادی در ساختمان کمونیستی وسیعاً مربوط به حل موفقانه مسایل سیاسی - اجتماعی است، در هنگام ساختمان کمونیستی ترکیب طبقاتی جامعه به‌سوی تجانس اجتماعی رشد و تکامل می‌یابد. مفکوره لنینیستی در بارهٔ محو تدریجی اختلافات مهم بین کارگران دماغی و جسمی تحقق می‌یابد.»

در تزا ها تأکید می‌شود که: «ایدپولوژی مارکسیست - لنینیستی انعکاس منطقی منافع حیاتی طبقه کارگر و تمام خلق کارگر می‌باشد و همچنان تیوری علمی است که در تجربه سوسیالیسم آزموده شده و تصویر واقعی و عینی جهان را ارائه می‌کند، و راهنمای قابل اعتماد فعالیت عملی می‌باشد.»

تزا ها خاطر نشان می‌سازد که:

«برنامهٔ لنینی انقلاب فرهنگی به تنوری و پراکتیک انقلابی خدمت مهمی محسوب می‌گردد.» «حزب همواره خلاقیت هنری در جامعهٔ سوسیالیستی را به به‌مثابه جزء لاینفک علاقه‌مندی تمام حزب و همهٔ پرولتاریا پنداشته است. اصل لنینی حزبیت و خصلت گروهی شعر و ادبیات به حیث پایه محکم جهت جمع کردن بهترین نیروهای روشنفکران هنرمند پیرامون پلتفرم سیاسی عمومی، ایدپولوژیکی قدرت شوروی خدمت کرده است. روش تشویقی نسبت به استعداد و بررسی خلاق در برخورد را لننن با فعالیت معنوی، با اصولیت مواضع سیاسی و ایدپولوژیکی، با وضاحت مقتضیات اخلاقی زیباشناسی درآمیخته است.»

در تزا ها گفته می‌شود: اکنون ضرورت تعویض مناسبات تولیدی سرمایه داری به مناسبات تولیدی سوسیالیستی حتی امرآنحز از گذشته تبارز نموده است.»

متجاوزترین حلقه‌های امپریالیزم معاصر قبل از همه در ایالات متحده جهت دیواره به راه انداختن جنگ‌های تاریخی قرن نزدهم، به خاطر انتقام‌جویی و برانداختن سوسیالیزم از تأثیر جهانی آن، قطع نکرده‌اند.

تزا ها تأکید می‌نماید که «عدم توفیق استراتژیی امپریالیستی در رسیدن به اهداف عمده - تخریب نظام سوسیالیستی - در دوران ما کاملاً آشکار گردیده است.

در مرحله کنونی رقابت بین دو سیستم جهانی، کلمات لننن مبنی بر اینکه اهرم عمل تأثیر سوسیالیزم بر انقلاب جهانی عبارت است از سیاست اقتصادی آنان، از ایجاد پایه اقتصادی جامعه نوین که بر نیروهای تولیدی سرمایه داری تفوق کامل دارد به‌طور خاصی تبارز می‌کند.

هدف سیاست خارجی حزب کمونیست اتحاد شوروی تأمین شرایط صلح آمیز برای ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم برای ایجاد مساعدترین فضا برای مبارزه آزادی‌بخش خلق کارگر تمام کشور‌ها، به خاطر پیشرفت اقتصادی و اجتماعی همه خلق‌های جهان می‌باشد، در عین حال تزا ها تأکید می‌نماید که همزیستی مسالمت آمیز مستلزم مبارزه شدید سیاسی، اقتصادی و ایدپولوژیکی بین سوسیالیزم و سرمایه داری، بین طبقهٔ کارگر و بورژوازی است.

همزیستی مسالمت آمیز هیچ وجه بودجه عظیم به مقایسه بنیهٔ مالی کشور کارهای قابل ملاحظه و بزرگی انجام نگردیده است.

انتقادات مختصری به «اجراآت» وزارت زراعت و آبیاری وارد گردید به‌هیچ‌وجه به معنی آن نیست که در دیگر ساحه‌های اقتصادی کشور از طریق واحدهای اداری دیگر متناسب به شرایط، امکانات و نیازمندی‌های مردم کار با ثمر و اجراآت مفیدی صورت گرفته باشد. ما قبلاً انتقاداتی را ضمن تحلیلی بر نواقص ناشی از سوء اجراآت و عدم کفایت اداره امور مختلف کشوری در اجراآت حکومت به‌طور کلی ارائه کرده‌ایم و در آینده نیز خواهیم کرد.

از بحث انتقادی مختصر بالا نتیجه اینکه: حکومت افغانستان با ماهیت طبقاتی موجودش هرقدر هم که تبلیغات خویش را وسیع‌تر سازد نمی‌تواند در زمینه پیشرفت سریع اقتصاد کشور، من‌جمله رشد سریع زراعت متناسب به افزایش نفوس و ایجابات زمان موفق گردد. لهما در زمینه رشد زراعتی کشور فقط انجام اصلاحات دموکراتیک ارضی به نفع دهقانان و با اشتراک آنان، جنبش کوپراتیوی کردن زراعت و اصلاحات زراعتی می‌تواند کمک نماید و مسأله رفع کمبود مواد ارتزاقی را حل کند.

(س. ک)

^[1] ک. م. ح. ک. ا. ش در تزه‌های خود خاطر نشان می‌سازد: ح

^[2] ک. م. ح. ک. ا. ش. تأکید می‌نماید که همبستگی بین‌المللی سنگ تهداب جنبش کمونیستی و کارگری بوده و می‌باشد

^[3] ک. م. ح. ک. ا. ش. می‌گوید: «لننن با جمع کردن تجارب عظیم

(بقیه از صفحه اول)

سه موضوع دیگر از دفتر یادداشت‌های سیاسی و اجتماعی

پرچمداران دموکراتیک خلق افغانستان …

افزون جریان دموکراتیک خلق افغانستان مخالفین سیاسی ما را واداشته است که لبه تیز مبارزه خصومت آمیز خود را علیه رهبران و کادرهای جریان دموکراتیک خلق افغانستانی معطوف سازند.

باز هم باید توجه داشت که کم بها دادن به تخریب رهبران و کادرهای سازمان‌های مترقی و بد نام ساختن آنان تحت هر عنوانی که صورت گیرد در واقع به‌صورت فهمیده و یا نفهمیده، شعوری و یا غیر شعوری آله و وسیله تطبیق نقشه‌های اشوم و سیاه سازمان‌های جاسوسی ارتجاع داخلی و امپریالیستی قرار گرفتن است.

آن‌هایی که «توده خلق و طبقه «را در نقطه مقابل یک سازمان پیش‌آهنگ طبقهٔ کارگر و رهبران اصولی و کادرهای اصولی آن قرار می‌دهند در واقع ضد موازین و اصول جهان‌بینی علمی و ایدئولوژی طبقه کارگر عمل می‌نمایند. این شیوه برخورد ذهنی و عوام‌فربانه که ناشی از انحراف خرده بورژوازی، بلند پروازی شخصی و عقداt انحرافی است، در واقع عدول از اندیشه‌های پیشرو عصر ما در باره مناسبات متقابل بین رهبران و کادرها، سازمان سیاسی مترقی، طبقات، توده‌ها و خلق و زیر پا کردن اصل زریn مرکزیn دموکراتیک سازمانی می‌باشد.

عناصر ترقی خواه پیشرو اگر واقعاً به نقش خلاق توده‌ها و خلق‌ها معتقدند باید بدانند که سازمان سیاسی چشم پیش‌آهنگ طبقه کارگر است که به‌مثابه مرکزیت فرماندهی رزمندهٔ زحمتکشان، خلق‌ها را به پیروزی رسانده می‌تواند. تاریخ سازمان‌های پیشرو انقلابی مبین این حقیقت است: سازمان مترقی‌ای که می‌خواهد خلق را رهبری کند و دشمنان خلق را سرنگون سازد لازم است هسته رهبری استوار داشته باشد. چنین هسته رهبری باید از آن رهبران و کادرهای تشکیل گردد که از پیچ و خم‌های مبارزه، از مشکلات سهمگین مبارزه، از آزمایش‌های بزرگ سربلند برآمده و شایستگی آن را داشته باشد

که حقیقت جهان‌بینی علمی و اندیشه‌های پیشرو عصر ما را با شرایط مشخص جامعه و جنبش انقلابی تلفیق دهند. بدین جهت است که گفته می‌شود: «طی تاریخ هیچ طبقه‌ای بدون برگزیدن رهبران سیاسی و نمایندگان پیشرو خود که لیاقت سازمان دادن نهضت و رهبری آن را داشته باشند، نتوانسته است به حکومت برسد.» همچنین: «تربیت گروهی از مجرب‌ترین و بانفوذترین رهبران سیاسی کار سختی است که زمان می‌خواهد… و الی بدون این، سلطه زحمتکشان و وحدت اراده زحمتکشان به‌صورت آرزویی در عبارت پردازی می‌ماند.»

مؤجز این که: در تاریخ جنبش‌های مترقی به‌خصوص در اوضاع و احوال کنونی عملیات زشت و پلید دشمنان جهان‌بینی علمی و ایدئولوژی طبقه کارگر چیز جدیدی نیست که به بهانه‌های انحرافی تلاش ورزیده‌اند تا سازمان‌های مترقی را از طریق بدنام کردن رهبران و کادرهای اصیل انقلابی پراکنده، متفرق، منشعب و منحل سازند. این شیوه سازمان‌های جاسوسی ارتجاع و امپریالیزم دیگر در نظر خلق برملا گردیده است. توطئه گران و عمال ارتجاع و امپریالیزم باید بدانند که اعمال این شیوه پست و پلید در برابر جریان دموکراتیک خلق افغانستان دیگر تأثیر خود را از دست داده است؛ و باعث استحکام و نیرومندی بیشتر آن

در طول مبارزه تشکیل جبهه متحد به رهبری طبقه کارگر به اتحاد دهقانان، خرده بورژوازی و روشنفکران مترقی صورت می‌گیرد؛ زیرا مبارزات سرسخت طبقه کارگر کشور که طبقهٔ رشد یابنده بوده و نیروی محرکه اساسی در جنبش رهایی بخش ملی را تشکیل می‌دهد و پیگیرترین طبقهٔ انقلابی است به‌خصوص از طریق سازمان سیاسی پیش‌آهنگ آن در جریان طولانی مبارزه، دهقانان، خرده بورژوازی شهری و گروه‌های اجتماعی دیگر را به‌سوی خود جذب می‌نماید و در عمل آن‌ها رهبری طبقهٔ کارگر را می‌پذیرند. در مبارزه برای حل پرابلم های دموکراتیک عمومی جامعه ما معتمدترین متحد طبقهٔ کارگر دهقانان هستند و ستون فقرات جبهه متحد دموکراتیک را اتحاد طبقهٔ کارگر و دهقانان تشکیل می‌دهد.

طبقه کارگر در صورتی می‌تواند دهقانان را رهبری کند که در راه تأمین خواست‌های آن‌ها و انجام انقلاب زراعتی مبارزه کند و آن‌ها را برای

خلق و دشمنان خلق کیانند

نقش نسبی مترقی آن برده می‌شود. ولی جدأ باید در نظر گرفت که هرگاه بخش عامه اقتصاد تقویه نگردد و راه مترقی تکامل غیر سرمایه داری در پیش گرفته نشود، رشد تشبثات خصوصی زیر نظارت ملی قرار نگیرد به‌موازات رشد تضادهای موجود بین زحمتکشان و طبقات ثروتمند و تشدید مبارزه طبقاتی در داخل کشور، «بورژوازی ملی» بیش از پیش به سازش‌کاری با امپریالیسم و ارتجاع داخلی می‌گراید و تضاد آشتی ناپذیری میان طبقه کارگر و بورژوازی ملی را در مرحلهٔ جنبش دموکراتیک ملی و جنبش سوسیالیستی تشدید می‌نماید. به این ترتیب تضاد بین طبقه کارگر و «بورژوازی ملی» ماهیتاً تضاد است آشتی ناپذیر. معهدا در مرحله کنونی تاریخ به‌اصطلاح «بورژوازی ملی» با ملاکین فنودال و بورژوازی بزرگ تجاری دلال (کمپرانور) و بورژوازی بیروکرات فرق می‌کند و طبقه متوسط (بورژوازی ملی) می‌تواند در شرایط جنبش دموکراتیک و ملی در جبهه خلق درآید.

همچنان تضادهای دیگری در کشور ما موجود است که متأسفانه از طرف بعضی عناصر مترقی برخورد نادرست به آن می‌گردد و می‌خواهند به‌صورت میکانیکی و مصنوعی آن تضادها را جایگزین تضادهای اساسی و آشتی ناپذیر سازند. مثلاً تضاد میان ملیت‌ها و اقوام مختلف (که به شکل شوونیستی و ناسیونالیستی انعکاس می‌نمایند و حتی این مسئله را مطرح بحث هژمونی (سرکردگی) در داخل سازمان سیاسی طبقه کارگر و جبههٔ متحد دموکراتیک ملی نیز می‌نمایند.)، تضاد میان شهریان و دهاتیان، تضاد میان مرکز (شهر کابل) و ولایات و اطراف البته و تضادهای فوق در کشور یک واقعیت است، ولی این تضادها آشتی ناپذیر نبوده و در جریان طولانی جنبش دموکراتیک ملی و سوسیالیستی به شکل مسالمت آمیز حل شده می‌تواند، لذا برخورد میکانیکی و مصنوعی به این تضادها و آن‌ها را عمده و آشتی ناپذیر قرار دادن اشتباه اصولی است و جنبش را به شکست مواجه می‌سازد. در مبارزه طبقاتی تشخیص تضادها میان خلق و دشمنان خلق و تضادهای درون خلق و طرق حل آن‌ها در هر مرحله تاریخی یک مسئله حیاتی در انجام جنبش رهایی بخش ملی و اجتماعی است.

راه‌های حل تضادها:

از آنجا که در مرحله کنونی تاریخ جامعه ما تضادهای میان خلق و

پرچم

باز هم در باره جبهه متحد

گروپ‌های اجتماعی به وجود آمده می‌تواند. همچنان جبههٔ متحد به اشتراک نیروهای ترقی‌خواه و وطن‌پرست اعم از احزاب، مجامع و شخصیت‌های ترقی‌خواه و وطن‌پرست تشکیل می‌گردند. برای رسیدن به مرحلهٔ که یک جبههٔ دموکراتیک در کشور ما به وجود آید، ایجاب می‌نماید که در مراحل مختلف مبارزه روزمره اتحادهای موقتی و کوتاه مدت از طریق نیروهای اجتماعی با حفظ استقلال سازمانی (حتی محفلی و موقف شخصی‌شان) و جهان‌بینی‌شان بر روی اهداف مشترک و طرح عمومی‌ترین شعارها در قبال مسایل مشخص تشکیل گردد، مانند مبارزه در راه تطبیق ازادی‌های مصرح در قانون اساسی، تأمین حقوق و آزادی‌های دموکراتیک، مبارزه در راه تشکیل مستقل احزاب ملی و مترقی، اجتماعات، تظاهرات،

خلق افغانستان، به خاطر وحدت کلیه ملیت‌ها و اقوام کشور، برای وحدت سازمان‌های سیاسی دموکراتیک خلق افغانستان و تمام نیروهای اصیل ترقی‌خواه پیشرو چپ و به خاطر رشد و تکامل جنبش دموکراتیک ملی - تشخیص تضادهای میان ما (خلق) و دشمن و نیز حل صحیح تضادهای درونی خلق ضرورت است فوق‌العاده مهم و حیاتی.

باید خاطر‌نشان ساخت هرگاه بلند پروازی‌ها و خودخواهی‌های شخصی، رهبری و سازمانی را کنار بگذاریم، کسانی که با ما در ستیز اند و با ما اختلاف نظر دارند شامل دو گروه می‌شوند: اول گروه متمایل به راست که با دشمنان خلق از در معامله و سازش و تسلیم طلبی پیش‌آمد می‌کنند. گروه دوم گروه متمایل به «چپ» و چپروان اند که تضادهای درون خلق و دوستان خلق و سازمان‌های مترقی را به‌مثابه تضادهای میان خلق و دشمنان خلق می‌شمارند و ضربه عمده را به نیروی دموکراتیک خلق افغانستان حواله می‌نمایند. هردوی این نظریات نادرست است.

اصول اساسی نیروی دموکراتیک خلق حکم می‌نماید که باید مینود اقناع، تربیت، انتقاد رقیانه، انتقاد از خود و اعتراف به اشتباهات را به خاطر تأمین وحدت نیروی دموکراتیک خلق افغانستان و مبارزه بی‌امان و پیگیر را علیه مترجعین داخلی و امپریالیزم بین‌المللی مبنای نظر و عمل مشترک قرار دهیم و مقاومت دشمن عمده (فیودالیزم، اتوکراسی) را در مرحله کنونی تاریخ در هم شکنیم و بی‌ثباتی و ناساستسواری بورژوازی را (بخصوص این‌که در کشور ما بورژوازی به‌طور عمومی اصلاً ضعیف و ناتوان است) فلج سازیم. کسانی که به این حقیقت سرسخت علمی تن در نمی‌دهند مسؤولیت عظیم هر مورد استیصال علیه دشمنان عمده (فیودالیزم، اتوکراسی) را در مرحله کنونی تاریخ در هم شکنیم و بی‌ثباتی و ناساستسواری بورژوازی را (بخصوص این‌که در کشور ما بورژوازی به‌طور عمومی اصلاً ضعیف و ناتوان است) فلج سازیم.

«وحدت - انتقاد وحدت»

این فرمول به این معنی است که با داشتن آرزوی صادقانه وحدت از طریق انتقاد و مبارزه در چهار چوکات اخلاق مترقی و اصول جهان‌بینی علمی و انطباق آن در شرایط کشور باید اختلاف داخلی سازمان دموکراتیک خلق را حل کنیم تا بدین‌وسیله بتوانیم به وحدتی نوین خلق و نیرومند بر پایه‌های مترقی‌تر و اصولی‌تر دست یابیم. تجربه نشان می‌دهد که این شیوه دموکراتیک برای حل اختلافات داخل سازمان‌های دموکراتیک خلق افغانستان شیوه

اعتصابات اقتصادی و سیاسی، انتخابات آزاد، شرکت در انتخابات پارلمانی، بناروالی ها (بلدی) جرگه‌های ولایتی، آزاد کردن زندانیان سیاسی، مبارزه علیه تفتین، دسایس و توطئه‌های ارتجاع سپاه افراطی و سازمان‌های جاسوسی مخفی امپریالیستی (سی آی ای و غیره) و ده‌ها مسایل حاد روز، مبارزه ضد استبداد، ضد ارتجاع و ضد امپریلیزم. باید خاطر‌نشان ساخت که حلقه‌های

اساسی روزمره مبارزه است که اتحاد نیروهای ملی و مترقی را در یک جبهه متحد و لو موقتی و تکنیکی باشد تدارک می‌بیند و زمینه را در طول نبرد رهایی بخش از پایین از میان توده‌ها و از بالا در وجود احزاب دموکراتیک و مترقی آماده می‌سازد. البته در جبههٔ متحد دموکراتیک ملی از لحاظ استراتژیژی مهم‌ترین وظایف دموکراتیک عبارت اند از «انجام تحولات عمیق اجتماعی و اقتصادی، پایان دادن به عقب ماندگی اقتصادی و اعتلای سطح زندگی توده‌ها از راه مترقی غیر سرمایه داری که دورنمای سوسیالیستی را می‌گشاید، صنعتی کردن کشور، اصلاحات ارضی دموکراتیک بر پایه جنبش وسیع دهقانی و (بسود دهقانان و به اشتراک آنان)، انهدام و الغای مناسبات فرتوت فنودالی و مقابل فیودالی، طرد نفوذ انحصارات خارجی، دموکراسی کردن بنیادی حیات اجتماعی و سیاسی و دستگاه دولتی، ایجاد و تکامل فرهنگ ملی، مترقی و نوین.»

(از بیانیه پارلمانی جریان دموکراتیک خلق افغانستان) در خاتمه قابل یادآوری است که باز هم در آینده راجع به ضرورت و چگونگی ایجاد جبههٔ متحد موقتی و دائمی در جریان و طول نبرد رهایی بخش خلق کشور به دفعات صحبت خواهیم کرد. نتنها صرفاً صحبت خواهیم کرد بلکه وظیفهٔ عملی خویش میدانیم که به‌صورت پیگیر این طرح را به غرض جلب و متحد ساختن تمام عناصر و نیروهای رشد یابنده ترقی‌خواه و وطن‌پرست کشور به‌مثابه شعار زنده و ضروری مبارزه بسط و توسعه دهیم و در راه عملی شدن آن در طول نهضت رهایی بخش دموکراتیک و ملی صادقانه جد و جهد کنیم. ولو که در اوضاع و احوال کنونی شرایط عینی و ذهنی تشکیل جبههٔ متحد دموکراتیک آماده نیست ولی وظیفه تمام اشخاص، محافل و نیروهای ملی و مترقی است که به‌موازات آماده شدن شرایط عینی در راه تدارک شرایط ذهنی سعی فراوان مبنول دارند.

درست و ثمر بخشی است و بخصوص واقعاً می‌توان وحدت اصولی سرتاسری نیروهای دموکراتیک خلق کشور را تأمین کرد و در نتیجه جنبش کنونی را به پیروزی بزرگی رساند. این شیوه دموکراتیک «وحدت - انتقاد - وحدت» در صورتی موفق است که صادقانه آرزوی وحدت در چوکات اصول خلاق جهان بینی علمی، ایدئولوژی طبقه کارگر و انطباق خلاق آن در شرایط کشور در میان باشد؛ زیرا اگر تمایل ذهنی برای وحدت دموکراتیک خلق وجود نداشته باشد و به اختلافات به‌صورت صحیح برخورد نشود و یا لاقیدی و سهل انگاری کنیم و مصالح شخصی را مافوق مصالح جریان و نهضت قرار دهیم و بگذاریم که زمان بگذرد و فرصت را از دست بدهیم در آن صورت دو نتیجه ناگوار بار خواهد آورد: منلاشی شدن نیروی سازمانی و تشکیلات دموکراتیک خلق افغانستان و پیروزی دشمنان خلق.

(ب. کارمل)



د افغانستان د تنگ دموکراتیک انځور و خپروونکی

۲۲ جدی ۱۳۴۸

پنجمین بار است که در برابر نشر و توزیع جریده پر چم خلق موانع ایجاد می‌گردد

در هفته گذشته بنا بر وجود مقاله‌های انتقادی علیه ارگان‌های تبلیغاتی حکومت و شعارهای عوام‌فربیانه حکومت، اعتراض جریان دموکراتیک خلق افغانستان علیه مسافرت سپیرو اگنیو معاون رئیس جمهور ایالات متحده امریکا و یک کارتون صلح در شماره ۳۵ پرچم، برای پنجمین بار موانعی در برابر نشر جریده پرچم دموکراتیک خلق افغانستان ایجاد گردید.

در کشورهایی که «دموکراسی» و «آزادی» مطبوعات و جود دارد، سانسور قبل از نشر مطبوعات اخبار، جراید، مجله‌ها، کتب... و غیره) جرم شناخته می‌شود. به غرض رفع سانسور قبل از نشر مطبوعات و مبارزه علیه اختناق مطبوعاتی و ایجاد مطبوعات ملی و مترقی، جبهه متحدی از تمام نویسندگان و روزنامه نگاران که طرفدار آزادی مطبوعات می‌باشند، تشکیل می‌گردد.

پر چم خلق از تمام نویسندگان و روزنامه نگاران و عناصری که طرفدار آزادی مطبوعات و ایجاد مطبوعات مترقی و ملی هستند (صرف نظر از اختلافات ایدئولوژیکی، سازمانی، رهبری و سیا سی) صمیمانه دعوت می‌کند که در یک جبهه سازمان متحدی را به غرض تأمین آزادی مطبوعات و ایجاد مطبوعات مترقی و ملی و علیه اختناق مطبوعات تشکیل دهند.

پرچم خلق از هر اقدامی که برای مطلب فوق صورت گیرد مجدانه پشتیبانی خواهد کرد.

از منابع خارجی:

این امپریالیزم است که حق حاکمیت و استقلال ترکیه را تهدید می کند نه خطر موهوم شمال

موجی از تظاهرات بزرگ سراسر ترکیه را فرا گرفته است. هزاران نفر از محصلان، کارگران و مستخدمین درین تظاهرات اشتراک ورزیده‌اند. آخرین انگیزه تظاهرات ضد امپریالیستی در ترکیه ورود کشتی‌های جنگی اردوی نمبر (۶) امریکا به بندر از میر می‌باشد.

امپریالیزم امریکا که بعد از جنگ جهانی دوم موقعیت سوق‌الجیشی ترکیه را به حیث یک موضوع ممکن سرپل به غرض تهیه دیدن ماجراهای ضد شوروی و دیگر کشورهای

سوسیالیستی تلقی می‌کرد آن کشور را به دسته بندی‌های نظامی ناتو و سنتو کشانید. پایگاه‌های خارجی تأسیس گردید و عده زیادی از عساکر امریکایی در آن کشور جا داده شدند.

تمام این‌ها تحت بهانه دروغین «دفاع کشور در برابر خطری که از شمال می‌آید»، صورت گرفت. طبیعیست مردمی که منافع ملی ترکیه را گرامی می‌دارند، نمی‌توانستند این وضع را در ترکیه کشوری که در بر افراشتن پرچم مبارزه آزادی‌بخش ملی علیه امپریالیزم اولین کشور شرقی بود، تحمل کند. مردم ترکیه بیش از پیش ملتفت می‌گردند که کشورشان را همسایگان صلح دوست احاطه کرده‌اند که به هیچ صورت آن را تهدید

عرب‌ها توطئه‌های تبلیغاتی امپریالیسم را افشا می‌نمایند

روز نامه الاهرام چاپ قاهره می‌نویسد: جنگ سایکالوژیکی که هدف آن ایجاد رخنه بین عرب‌ها و اتحاد شوروی، تخریب دوستی و همکاری ثمر بخش بین اعراب و اتحاد شوروی می‌باشد مانند گذشته جزء لاینفک استراتژیژئو عنعنوی امپریالیستی را در سراسر جهان تشکیل می‌دهد.

کشورهای امپریالیستی سیاست ضد شوروی خود را در کوریا، ویتنام، لاوس، کیوبا، جمهوری دومینیکا و شرق میانه تحت شعار مبارزه علیه نفوذ شوروی و کمونیزم

(از ص اول)

تظاهرات ضد امپریالیزم امریکا ...

خلق افغانستان به اجتماع بزرگی بالای تپه معروف پارک زرنگار در کنار جاده که موتر حامل وی می‌گذشت، مبدل گردید.

حین عبور موتر حامل اگنیو از جاده همجوار تپه پارک زرنگار هزاران نفر نظاهرکنندگان در برابر وی قرار گرفتند و خشم خود را علیه امپریالیزم امریکا، سیاست جنگی و تجاوز کارانه آن کشور در ویتنام و شرق میانه و نفرت و انزجار عمیق خویش را علیه جنگ ابراز داشتند.
مظاهره کنندگان تا ساعت ۵ عصر به مظاهره خویش ادامه داده و در اخیر با قرانت قطعنامه‌ای به تظاهر و اجتماع تاریخی خویش، که در نوع خود بی‌سابقه است، پایان دادند. این مظاهره که مشخص‌ترین نمایشی بر ضد امپریالیزم امریکا در کشور بشمار می‌رود و در حقیقت پس از قیام ملی خلق افغانستان علیه امپریالیزم انگلیس انعکاس دهندهٔ اراده رزمنده بالفعل خلق افغانستان در برابر امپریالیزم این دشمن مشترک بشریت می‌باشد، انعکاس وسیعی در سرتاسر جهان داشته است. رادیوهای جهان من‌جمله بی بی سی، رادیو دهلی، رادیو مسکو، رادیو کراچی، رادیو بغداد، رادیو استرالیا و غیره

قطعنامه پرچمداران دموکراتیک

خلق افغانستان

اجتماعات و تظاهرات شجاعانه چندین هزار نفری ما اعم از کارگران، سایر زحمتکشان، محصلان و روشنفکران شهر کابل قبل از ظهر تا عصر (سه شنبه ۱۶ جدی ۱۳۴۸ - ۶ جنوری ۱۹۷۰) به‌عنوان اعتراض علیه مسافرت سپیرو اگنیو معاون رئیس جمهوری ایالات متحده امریکا در افغانستان در تحت پرچم جریان پرافتخار دموکراتیک خلق افغانستان باکمال متانت و دلبری در چوکات وظایف مبارزه خلق افغانستان علیه امپریالیزم در شهر کابل برگزار گردید.

تظاهر قهرمانانه امروز به خاطر آن صورت گرفت که تا اعتراض و انزجار خلق نجیب افغانستان را علیه مداخله و سیاست تجاوزکارانه امپریالیزم ایالات متحده امریکا نمایش دهیم.

واقعات دهه اخیر نسبت به هر وقت دیگر خصلت امپریالیزم امریکا را به حیث استثمارگر، ژاندارم جهانی و دشمن جنبش‌های آزادی‌بخش ملی و اجتماعی کشورهای آسیایی، افریقایی و امریکای لاتین بیشتر برملا ساخت. تجاوز اسرائیل در اثر تشویق و به پشتیبانی امپریالیزم امریکا بر جمهوری متحد عرب، سوریه و اردن بحران وخیم بین‌المللی را در شرق میانه به وجود آورده است.

امپریالیزم و در درجه اول امپریالیزم ایالات متحده امریکا از طریق این تجاوز می‌خواست رژیم‌های مترقی در کشورهای عربی را از بین ببرد و بدین‌وسیله جنبش آزادی‌بخش ملی عرب را سرکوب کند و مواضع خود را حفظ یا دوباره به دست آورد، ولی اسرائیل و حامیان امپریالیستی آن به این مأمول ناپاک خود موفق نشدند.

مداخلات مسلحانه در ویتنام مقام خاصی در نقشه‌های نظامی و سیاسی امپریالیزم امریکا دارد. پلان تجاوزکار این بود که یکی از پاسگاه‌های سوسیالیزم را در آسیا سرکوب کند و راه آزادی و ترقی را بر روی خلق‌های جنوب شرق آسیا مسدود سازد و به جنبش‌ رهایی بخش ملی ضریب وارد آورد. ولی امپریالیزم امریکا به‌مثابه نیرومندترین قدرت امپریالیستی جهان علی رغم آنکه مقدار عظیمی وسایل جنگی را بکار انداخته، مجبور شده است در برابر مقاومت قهرمانانه خلق رزمنده ویتنام و ضربات درهم شکننده آن‌ها بر تجاوزکاران و پشتیبانی وسیع و همه جانبه خلق‌های سراسر جهان اکنون دیگر مواجه به شکست‌های پیهم افشّصاح آوری می‌گردد.

وضع موجود عمل مشترک نیروهای مترقی و تمام نیروهای ضد امپریالیستی را به‌منظور حداظم استفاده از امکانات روز افزون به غرض یک تعرض وسیع‌تر علیه امپریالیزم، علیه نیروهای ارتجاع و جنگ ایجاب می‌نماید.

به تائید از شعار رزمنده نیروهای مترقی در سراسر جهان به همه انسان‌های شرافتمند که به صلح، عدالت، آزادی و استقلال ملل عقیده دارند، خطاب می‌کنیم:

بانگ اعتراض علیه جنگ جنایت‌کارانه‌یی امپریالیزم امریکا در ویتنام را در سراسر جهان رساتر کنید!

در جنبش همبستگی بین‌المللی با خلق قهرمان ویتنام فعال‌تر شرکت کنید!

استقلال، آزادی و صلح برای ویتنام!

مبارزه عادلانه خلق ویتنام پیروز خواهد شد!

مرگ بر تجاوز کاران صهیونی - مرگ بر امپریالیزم!

(لومری مخ پاتی)

د پښتونستان ستر مشر ...

ستاسو حضور ته د خپلی اخلاص او مینى د وړاندی کولو له لاری دغه پور پری کړای شی. میرمن گاندی په خپل پیغام کی وړاندی لیکي: «خومره چه کلونه تیریری ستاسو د عمر داستان نوی عظمت مومی. د یو رښتنی خدائی دومره خدمت کړی دی چه ډیرو لږو خدمتگار په حیث تاسو د انسان خلکو به کړی وی. ستاسو تر مشری لاندی د خدایی خدمتگارو نهضت اوس هم د هغو خلکو خدمت کوي د کومو د پاره چه تاسو خپل عمر وقف کړی دی.»

د هندوستان سنیټسمن نومی ورځپاڼه خبر ورکوی چه د پاچاخان د اتیالوم کلن په مناسبت اتیا لکه را ټولی شوی کلداری د هندوستان د خلکو په نمایندگی هغه وخت پاچاخان ته وروسپارلی شی چه کابل ته روانیږی. ښاغلی جی پرکاش ناراین ویلی ده چه دغه کار د هندوستان د خلکو ډپاره د پرستیژ او شرف خبره ده.

پرچم: په دغه مناسبت خپل صمیمی تبریکات د پښتونستان سترمشر عبدالغفارخان، د دوی مجاهدی کورنی او د پښتونستان مبارز ملت ته وړاندی کوی.

قهرمانان خاموش

قهرمانان همگی نام ندارند و نشان قهرمانی همه جا جلوه ندارد رو شن.

قهرمانی چه بسا در شب تاریک محن،

زهر آگین تیر عذابیست که از جان گذرد.

راه پیکار حقیقت که گذرگاه بلاست،

راه صعبی است، میندار که آسان گذرد.

گاه تحقیر، گهی خدعه و گاهی دشنام.

گاه پیمان شکنی، گاه ملالت، گه دام.

نه همه بزرگست و هم آورد بنام

نه همه عرصه فخر است و همه جاده فتح.

قهرمانیست که در این ره پر پیچ و تلاش.

پای بفشاری و در کوشش جانانهٔ خویش

یکدم از راه به بیراهه دشمن نروی،

از پی قدرت و القاب مطمئن نروی،

پای بفشاری و افتاده و خاموش و متین.

خار این جاده بروبی و ازین خاره سخت

راه بگشایی و گامی بجلو برداری،

گه ره رفته به ده بار دگر بسپاری.

آن تپش‌ها که درین جهد به جان می‌گوید.

قهرمانست، بزرگست ولی بی‌نام است.

و آنکه این جاده پر خار به مزگان روید

قهرمانست، بزرگست ولی گمنام است.

ای شما زمره گمنام که بی بانگ و نهیب!

نشده بردهٔ افسون شده جور و فریب،

نه ز بیداد، نه از بیم، نه آزار، نه رنج

از ره خویش نلقزیده درین عمر سپنج،

بر شما لشکر انبوه ز ما باد درود!

قهرمانان خموشید، نباشد عجبی،

کس ندانست کیتاید، چه کردید، چه آید

ز چه در بستر آرام نخفتید شبی

شما منتظران سحر عقده گشای.

در شب تیرهٔ اندوه ز ما باد درود!

کارگاه‌یست جهان، کش همه جلوه گری

در نهانگاه تکامل به خموشی زاید.

و آنچه در خانه اسرار جهان می‌گذرد.

بامداد دگری پرده ز رخ بگشاید،

رخنه در باروی بیداد و ستم کار شماس

چشم تاریخ رصد بسته و بیدار شماس.

۱. سپهر

اهم اخبار هفته گذشته

معامله اعتراض شدید دارند بدین مناسبت مظاهراتی در آلمان غرب صورت گرفت و در ضمن مظاهر ه رژیم حاکم اسرائیل را یک رژیم نظامی خواندند. * * *

نیویارک: دو میلیون به نفوس امریکا در ده سال اخیر افزوده شده است. دولت امریکا نسبت از دیداد نفوشش نگران می‌باشد.

در حال حاضر عده زیادی در فقر و گرسنگی حیات بسر می‌برند، در حالی که دولت امریکا سالانه ۲۵ میلیارد دالر خرج جنگ ویتنام می‌کند. نیویارک: رئیس پولیس فدرال امریکا اظهار داشت جنایت در امریکا نظر به گذشته ۱۱ فیصد از دیداد حاصل کرده است. * * *

واشنگتن: در سال ۱۹۶۹ هشتاد و پنج هزار جنایت در امریکا رخ داده است. واشنگتن مرکز این جنایات بوده که به حیث پایتخت وحشت مسمی شده است. نیویارک: یکی از رهبران کارگری امریکا با اعضای فامیلش توسط اشخاص ناشناس به قتل رسیدند. این رهبر کارگران بسود و منافع کارگران مبارزه می‌کرد. * * *

مادرید: اعتصاب ده هزار نفری کارگران زراعتی در هسپانیه ادا مه دارد. ایشان خواهان ازدیداد دستمزدهای خود می‌باشند. همچنان ۲۶۰۰ کارگر کشتی سازی و ۶۰۰۰ کار گر وسایل حمل و نقل دست به اعتصاب زدند. هر روزی که، می‌گذرد معلوم می‌شود مخالفت با رژیم دکتاتورری فرانکو شدیدتر می‌گردد.

در شهر آسویار هسپانیه کلیه معدنچی‌ها دست به اعتصاب زده‌اند و کار استخراج بهکلی تعطیل است. سی هزار کارگر حمل و نقل نیز اعتصاب نموده‌اند. بعد از آنکه ۱۲ هزار کارگر دیگر اعتصاب کردند. این سازمان‌های مترقی آلمان نسبت به این

کی رالا (هند): از اول جنوری در ایالات کی رالا هند که اقتدار به دست کمونیست‌ها است توزیع زمین برای دهقانان آغاز شده است. کسی که بالای زمین کار می‌کند برایش زمین داده می‌شود، زیرا مالک حقیقی زمین دهقان است. طبق فیصله حکومت کمونیستی ایالت کی رالا زمین رایگان به دهقانان بی‌بضاعت داده می‌شود. * * *

لیمان: دولت پیرو دو گام مهم دیگر را اتخاذ نموده است. اولاً اینکه بعد ازین مؤسسات خارجی نمی‌توانند روزنامه نشر نمایند. سابقاً از طرف کمپنی های انحصاری نفتی امریکایی روزنامه‌های در لیما نشر می‌شد. دوم اینکه حکومت فیصله کرد بعد ازین از توریذ موتر سواری جلوگیری کند. همچنان حکومت ۲ میلیون هکتار زمین را که صاحبان آن امریکایی می‌باشند، ملی نموده و به دهقانان توزیع کرد ه است. * * *

عمان: وزیر اطلاعات اردن ضمن یک سخنرانی از کمک‌های بزرگ اتحاد شوروی ابراز تشکر کرد. پاریس: سازمان بین‌المللی یونسکو سال ۱۹۷۰ را به حیث سال مبارزه با بی‌سوادی اعلان کرد. در اطلاعیه سازمان بین‌المللی یونسکو گفته می‌شود: تنها در کشورهای سوسیالیستی بی‌سوادی وجود ندارد و از ریشه محو شده است. در اطلاعیه از دولت‌های مختلف جهان تقاضا شده تا در راه محو بی‌سوادی و مبارزه با بی‌سوادی اقدامات اساسی را به عمل آورند. * * *

بن: در بن پایتخت آلمان فدرال اعلان شد، در ماه فبروری یک هیات بزرگ نظامی اسرائیل به آلمان فدرال خواهد آمد. این هیات از آلمان غرب سلاح‌های جدیدی برای اردوی اسرائیل خریداری خواهد کرد.

سازمان‌های مترقی آلمان نسبت به این

| | |
|--------------|--|
| پرچم | |
| صاحب امتیاز: | سلیمان لایق، مدیر مسؤول: میر اکبر خیبر |
| تلفون: | ۲۳۱۶۴، دیوی گنی بیه: ۲/۵ - افغانی |

تایپ متن: قاسم اسمایی، ویرایش جدید: عمر فیض

مطبعه دولتی